

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: با توجه به دیدگاه حضرت عالی درباره انقلاب و امام خمینی رحمه الله مبنی بر این که ما با انقلاب در صحنه و تاریخی دیگر حاضر شده‌ایم و باید در اتمسفر انقلاب تنفس کنیم تا حضوری توحیدی در این تاریخ داشته باشیم، چالشی در این جا مطرح است. به نظر می‌رسد این تاریخ، انسانی با تعریف دیگر می‌طلبد. امام (ره) انسانی دیگر را به ما نشان داده است که انسان این تاریخ است اما ما هنوز انسان را با همان تعابیر فلسفی گذشته معنا می‌کنیم و بر مبنای آن نظام تربیتی می‌چینیم! در بهترین حالت در نهایت امر به توصیف «انقلابی بودن» به عنوان وصف و افزونه‌ای برای انسان می‌پردازیم! سوال حقیر این است که: ۱. آیا پرداخت نظری به انسان به نحو مرسوم، ما و نظام تربیتی حاصل از این نظریه پردازی را از آن انسان تعریف شده و به عرصه آمده توسط امام (ره) دور نمی‌کند؟ ۲. چگونه می‌توان به نحو نظری به آن تعریفی که امام (ره) از انسان داشتند، دست یافت؟ در کدام کتاب و سخنرانی و شخصیت و کلام باید به دنبال آن رفت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان‌طور که می‌فرمایید:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست

عالمی دیگر بیايد ساخت وز نو آدمی

۱. حقیقتاً بحث در حضور انسانِ آخرالزمانی است که باید در دل این تاریخ در بستر انقلاب اسلامی به ظهور آید. ۲. همین‌طور که متوجه شده‌اید باید انسانی مدّ نظر باشد که در عین حضور در نزد خود به همان معنای سوبژگی انسان، به وسعت خلیفه‌اللهی خود در نزد خود حاضر شود. عرایضی در این رابطه تحت عنوان «نظر به ظرفیت‌های بشر جدید و راه معنابخشی به آن در افق تمدن اسلامی» <https://eitaa.com/matalebevijeh/13876> شده است. موفق باشید